



انترناسیونال ۴۴۹

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



www.m-hekmat.com منصور حکمت

جمعه ۱ اردیبهشت ۱۳۹۱، ۲۰ آوریل ۲۰۱۲

اول مه، ۹۹ درصدی ها، کمیته همبستگی بین المللی کارگری

مختلفی که این کمیته در دفاع از مبارزات کارگران ایران در شهرهای مختلف دنیا به راه انداخته، تلاش کرده است حمایت نهادهای مختلف کارگری و افکار عمومی مردم دنیا

صحبت کند. این کمیته نه تنها برای فعالین کارگری بلکه برای بسیاری از مردم کشورهای مختلف جهان شناخته شده است. به نمایش در آوردن تصاویر کارگران زندانی ایران در اجلاس های سازمان جهانی کار، تلاش ها و کمپین های

مصاحبه با شهلا دانشفر

در آستانه فرارسیدن اول مه روز، از شهلا دانشفر خواهش کردم تا با انترناسیونال مصاحبه ای داشته باشد و درباره فعالیتهای کمیته همبستگی بین المللی کارگری

ادامه صفحه ۳

دعوا بر سر "ابوموسی" ارتجاعی است "تمامیت ارضی" در آغوش احمدی نژاد!

است) بکشند و بطور صریح یا ضمنی اعلام کنند که در این دعوا کنار جمهوری اسلامی ایستاده اند.



مصطفی صابر

این نمایش ارتجاع و توحش از هردو سو را باید شدیداً محکوم و افساء کرد. مردم نفعی در این مجادله که بوی خون و عقبگرد و جهل و تعصب از آن می آیند ندارند. نفع مردم چه در ایران و چه در کشورهای عربی این است که علیه کل این دعوای ارضی ملاهای میلیاردی و شیوخ سوپر میلیاردی بایستند و سرنوشت و زندگی خود را از دست اوپاش اسلامی و ناسیونالیست و دولتهای سرمایه دار نجات دهند.

باز دعوا بر سر "ابوموسی" و رویارویی قدیمی ناسیونالیسم ایرانی و ناسیونالیسم عربی در متن جدالهای غرب و جمهوری اسلامی بالا گرفته و باز اپوزیسیون بورژوازی فرصتی یافته تا به بهانه "منافع ملی" بسمت جمهوری اسلامی غش کند. کل اپوزیسیون راست - از پاسدارهای سابق و "ضد خشونت" های فعلی تا انواع جمهوری خواهان رنگارنگ، از مدعیان دمکراسی و سکولاریسم تا طرفداران نظام شاهنشاهی و "برانداز"، از "اصلاح طلب" تا "انحلال طلب" - همه و همه در نمایشی خیره کننده کرواتها را باز کرده تا خالکوبی "تمامیت ارضی" شان را به رخ ناسیونالیسم عربی (که به اندازه همین ها ارتجاعی و ضد بشری

ادامه صفحه ۷

بحران جمهوری اسلامی لاعلاج است

جمهوری اسلامی هم از منظر طبقه کارگر و مردم و هم از منظر بورژوازی باید جای خود را به رژیم دیگری بدهد.

چریکهای فدایی خلق و جبهه ملی و نهضت آزادی و ... گرفته تا فدائیان اسلام، آنرا همراه دیگر جریانات اسلامی و شبکه مساجد و حسینیه ها ساخته بودند. مانیفست مشترک

که در جریان انقلاب سازماندهی شد. جمهوری اسلامی طبعاً بر شانه های فرهنگی ساخته شد که قبلاً جریانات اپوزیسیون چپ و راست رژیم سلطنتی از حزب توده گرفته تا شریعتی و جلال آل احمد از سازمان

محمد آسنگران

همچنانکه بارها گفته و تاکید کرده ایم جمهوری اسلامی رژیمی است که با هدف سرکوب انقلاب سال ۵۷ به قدرت راه پیدا کرد. ضد انقلابی بود

ادامه صفحه ۸

بازتاب هفته

کنترل کارگری بر
روزنامه الفتروتیپیا در یونان
حبیب بکتاش

دولت اسلامی، مجلس اسلامی
و حقه بازی اسلامی
بهر روز مهر آبادی

سوریه: آتش بس،
جمهوری اسلامی و طرحهای غرب!
محمد شکوهی

ناسیونالیسم خون میطلبد
اینبار در ابوموسی
یاشار سهندی

صفحات ۶-۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

چند اطلاعیه فراخوان اول مه از ایران

پیش به سوی اول ماه مه

ما کارگران پروژه ای نفت و گاز همچون دیگر کارگران امسال را در حالی آغاز کرده ایم که فقر و تنگدستی زندگی ما را هر چه بیشتر تحت فشار قرار داده است. از ابتدای سال کارگران بسیاری از کار اخراج شده اند. کارگران شهاب خود رو نمونه بارز آن است. تورم بالای ۲۰ درصد کمر ما را شکسته است. در طی سال گذشته نرخ برابری ارز با ریال به شدت تغییر کرده و قدرت خرید ما را نصف کرده است. سال گذشته همچون سالهای گذشته فعالین کارگری و کارگران آگاه تحت فشار بوده و زندان خانه دوم آنان گردیده است. هرگونه اعتراض کارگران به شدیدترین وجه سرکوب شده است. در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر اخبار بدی را نیز می شنویم. رضا شهابی یکی از فعالین خوشنام کارگری به شش سال زندان محکوم شده است فقط به جرم دفاع از حقوق همکاران خود بایستی بهترین سالهای عمر خود را در زندان سپری کند. سایه بیکار سازی حتی ما را نیز که شالوده اقتصاد ایران که وابستگی شدید به نفت دارد را میسازم تهدید می کند. همزمان عزیز بیایی مبارزه ای متدحانه را برای گرفتن حقوق اولیه انسانی که همانا کار و دستمزد متناسب با یک زندگی انسانی است به پیش ببریم. تنها با اتحاد بین همه کارگران ایران و جهان است که می توانیم حقوق اولیه خود را بدست آوریم. مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر را امسال هر چه باشکوه تر در سراسر ایران برگزار کنیم. پیش به سوی ایجاد تشکل های مستقل کارگری

۲۸ فروردین ۹۱
جمعی از کارگران عسلویه، کنگان و کارگران پروژه ای نفت و گاز

زنده باد روز همبستگی طبقاتی کارگران!

کارگران!!!
اول ماه مه روز همبستگی طبقه کارگر در راه است. روزی که کارگران شیکاگو در سال ۱۸۸۶ با خون خود این روز را برای ما به یادگار گذاشته اند و کارگران هرساله این روز را نماد مبارزه ی طبقاتی خود قرار می دهند و در این روز خواست و مطالبات طبقاتیمان را رو به سرمایه مطرح و برای احقاق آن مبارزه می کنیم. طبقه کارگر ایران نیز امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه، روز جهانی کارگر می رود که تداوم اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها و ادامه تحریم های اقتصادی بر ابعاد فقر و فلاکت اقتصادی افزوده است. روزی نیست که خبراخراج کارگران از کارگاهها و کارخانه ها و ملحق شدن آنها به لشکر بیکاران نشنومیم. در چنین شرایطی کارگران بدون داشتن حق بیمه ی بیکاری مکفی در دام فقر و گرسنگی رها می شوند و عواقب فاجعه بار آن بر سر خانواده های کارگری ویران می گردد. در این اوضاع، کارفرمایان و حامیانشان دستمزدهای سال ۱۳۹۱ را مبلغی حدود ۳۹۰ هزار تومان در ماه اعلام کرده اند؛ یعنی مبلغی چند برابر پایین تر از خط فقر. این در حالی است که تداوم بحران جهانی سرمایه داری، بیکاری و فقر بی سابقه ای را به کارگران تحمیل کرده است. سرمایه داری در بسیاری از کشورها، برای برون رفت از این بحران به حداقل هایی که طبقه کارگر طی دهها سال مبارزه آن را به سرمایه داری تحمیل کرده بود حمله و آنها را کاهش و یا بازپس گرفته اند. اما طبقه کارگر در این کشورها ساکت ننشسته اند و با اعتراضات و

اعتصابات خود خشم و نفرت خود را به آینه ی تیره و تاری که سرمایه داری برای آنها تدارک دیده به نمایش گذاشته اند. در متن و تداوم این بحران بود که جنبش ضد سرمایه داری (وال استریت را تسخیر کنید) در چند ماه مانده به اول ماه مه فراخوان اعتصاب سراسری در روز جهانی کارگر را اعلام کرده است..
ما جمعی از کارگران بیکار سنندج ضمن حمایت از این فراخوان، خواست و مطالبات خودمان را با شرکت در مراسم اول ماه مه هم صدا با هم طبقه ای هایمان در سراسر جهان فریاد خواهیم زد.

زنده باد روز همبستگی طبقاتی کارگران
جمعی از کارگران بیکار سنندج
۲۹ فروردین ۱۳۹۱

فراخوان جمعی از کارگران شرق تهران به مناسبت روزکارگر

ما جمعی از کارگران شرق تهران روز ۱۱ اردیبهشت، روز کارگر را گرامی می داریم و در این روز تمامی حقوق از دست رفته سالیان و اعتراضات بی پاسخ را در برابر مسئولین نظام قرار می دهیم و آنها را به پرسش می

کشیم و می گوئیم، کجاست کمترین حقوق ما و خانواده مان؟ و چگونه است که ناداری و فقر و درد، پاسخ شما به ماست؟
جمعی از کارگران شرق تهران

زنده باد اول ماه مه

حقوق کارگران حقوق ماست، وعده ما ۱۱ اردیبهشت

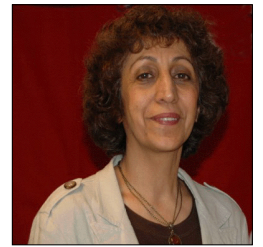
ما جمعی از کارگران جنوب تهران با بزرگداشت ۱۱ اردیبهشت روز کارگر، برای احقاق حقوق پایمال شده سالیان خودمان اعلام می کنیم که روزکارگر را به روز بازخواست از مسئولین در قبال تمامی اعتراضات کارگری یکسال گذشته و تمامی حق و حقوق به یغما رفته کارگران تبدیل خواهیم کرد.
در سالی که گذشت، ما کارگران محروم در مواجهه با گرانی طاقت فرسا و هزینه های کمرشکن زندگی در حالی دست و پنجه نرم می کردیم که سیاستهای غلط دولت به تعطیلی بیش از پیش کارخانه ها و امکانات شغلی ما منجر شده بود و علاوه بر همه دوره ها به پرداخت نشدن حقوق چندین ماهه به طور مستمر با اخراج و بیکاری هم دست به گریبان بودیم و

فریادها و اعتراضاتمان جز در جمع دردمند خودمان بازتابی نداشت و کسی در نظام حاکم حتی در حد شنیدن دردهای ما هم با ما همراهی نشان نداد. به همین دلیل، ما کارگران اعلام می کنیم که با تلاش جمعی در اعتراض به فشارهای طاقت فرسایی که سراسر زندگی ما را درنوردیده و مینیمم های معیشت انسانی را از ما دریغ کرده و سایه فقر و فلاکت و استیصال را همراه هر لحظه و هر ساعت ما و خانواده و فرزندانمان کرده است، روزکارگر را به روز دادخواهی کارگران ستم کشیده و محکوم به ماندن در ستم زیر خط فقر تبدیل می کنیم و بر مطالبات و حقوق به ناحق تضییع شده خودمان پای خواهیم فشرد و از آن کوتاه نخواهیم آمد.
جمعی از کارگران جنوب تهران

داریم که ۱۱ اردیبهشت امسال، روز جهانی کارگر را به روزی برای رساندن صدای حق و طلب حقوقی که در تمامی سال از جامعه کارگری دریغ شده، تبدیل کنیم. حقوق کارگران، همان حقوق ماست و مظلومیت و درد جامعه کارگری هم همان داغ زندان و محرومیت از تحصیل و اخراج دانشجویان که هر

روز کارگر، روز اتحاد و روز به کرسی نشاندن عدالت است. روزی است که باید در کنار مظلومان ایستاد و صدا و ندای آنها شد. روزی که در آن، سراسر جهان یکپارچه فریاد می شود و در کنار مظلومان می ایستد و مقابل زورگویان صف می کشد. ما جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران قصد

اول مه، ۹۹ درصدی ها، کمیته همبستگی بین المللی کارگری



مصاحبه با شهلا دانشفر

از صفحه ۱

کارگران در سطح جهان بویژه در جایی چون ایران که در چنگ یکدی از وحشی ترین حکومت‌های سرمایه داری اسیر است، قرار میدهد.

در ایران نیز خبرها حاکی از جنب و جوشی گسترده برای برپایی این روز است. از همین رو شاهد این هستیم که رژیم خود را آماده مقابله با برگزاری گسترده این روز میکند.

واقعیت اینست که فقر و فلاکت بیسابقه ای که در جامعه حاکم است و نیز تعرضات هر روزه حکومت به زندگی و معیشت کارگران، از جمله بیکارسازیهایی

را از خواسته های کارگران ایران جلب کند. اعلام همبستگی سازمان های مختلف کارگری در نقاط مختلف جهان با مبارزات کارگران ایران و کارگران زندانی نتیجه این تلاش ها بوده است. توضیح بیشتر در باره فعالیت های این کمیته را از شهلا دانشفر هماهنگ کننده این کمیته می شنویم.

بهروز مهرآبادی

جنب و جوش کنونی، برای اول مه امسال باید با تمام قوا آماده شد و خود را برای هرگونه شرایطی آماده ساخت. همچنین همه شواهد حاکی از این است که میتوان به استقبال و تدارک يك روز بزرگ اعتراضی در اول مه رفت. در چنین شرایطی میتوان در تمام کارخانجات و محلات و در دانشگاهها و کل جامعه به تدارک این روز رفت. میتوان روز اول مه را به روز اعتراض سراسری کل جامعه علیه فقر و گرانی و تبعیض و نابرابری تبدیل کرد.

در هر حال اگر بخواهم از احساسم نسبت به اتفاقی که در پیش است بگویم، برای من اول مه امسال از یکسو پیام آور يك روز بزرگ امید

پاسخ به تقاضای مجوز از سوی مزدوران شوراهای اسلامی، محلی خارج از شهر در بیابانهای بهشت زهرا را برای آنان تعیین کرده اند! جالب است که در این میان و در دعواهای درون حکومت، مقامات مختلف شورای اسلامی صدایشان بلند شده و از اینکه کارگران دست به حرکتی خودجوش خواهند زد هشدار داده اند. طبعاً باید با آمادگی و هوشیاری کامل نشان داد که کارگران اجازه نخواهند داد که اول مه به صحنه قشون کشی این جنابان برای امتیازگیری در نزاعهای درونیشان باشد. همانطور که هر گاه اینها خواستند چنین کنند، کارگران وسیعاً به خیابانها آمدند و تریبونها و خیابانها را از آن خود کردند. بعلاوه موضوع

برای من اول مه امسال از یکسو پیام آور يك روز بزرگ امید بخش و یک قدرت نمایی بزرگ کارگری است و از سویی دیگر برای داشتن چنین روز با شکوهی، کارهای بسیاری در دستور کار همه ما قرار میگیرد که با تمام قوا باید به استقبالش برویم و برای انجامش نیرو بسیج کنیم و تدارک ببینیم .

بخش و یک قدرت نمایی بزرگ کارگری است و از سویی دیگر برای داشتن چنین روز با شکوهی، کارهای بسیاری در دستور کار همه ما قرار میگیرد که با تمام قوا باید به استقبالش برویم و برای انجامش نیرو بسیج کنیم و تدارک ببینیم .

انترناسیونال: شهلا دانشفر کمیته همبستگی بین المللی کارگری که شما هماهنگ کننده آن هستید، بیانیه ای در همبستگی با فراخوان جهانی اول مه جنبش اشغال داده است، اول مه فرصت خوبیست که کمی در مورد کمیته همبستگی بین المللی کارگری و فعالیتهای آن هم صحبت داشته باشیم.

سوال اول معرفی این کمیته است: زمان شروع فعالیت، اهداف،

گماردن جنایتکاری چون سعید مرتضوی در راس تامین اجتماعی و حمایت مزدوران شوراهای اسلامی به فضای اعتراض در میان کارگران شدت داده است و خود این موضوع نیز یکی از موضوعات داغ کشاکش در درون حکومت است.

در هر حال مدت کوتاهی به اول مه مانده است و انتظار می رود از سوی نهادها و تشکل های مختلف کارگری و از مراکز مختلف کارگری و بخش های مختلف جامعه به مناسبت اول مه و برگزاری این روز فراخوان داده شود. بیانیه های سیاسی در همبستگی با فراخوان جهانی به این مناسبت داده شود. با توجه به شرایط پر

وسعی که به گفته خودشان در آغاز سال جاری ۳۰ درصد قراردادهای موقت را در بر گرفته است، جامعه را به حال انفجار درآورده است. برای نمونه در همین آغاز سال اعتراضات گسترده کارگری در مراکز مختلف کارگری علیه بیکارسازیهها، علیه دستمزدهای پرداخت نشده و با خواست افزایش دستمزدها و غیره آغاز شده است. همچنین شاهد تجمعات هر روزه کارگران در مقابل مراکز اصلی جمهوری اسلامی، از جمله مراکز چونی مجلس اسلامی و تامین اجتماعی و ادارات کار و فرمانداری ها در شهرهای مختلف هستیم. این اعتراضات رژیم اسلامی را آنچنان وحشت زده کرده است که حتی در

انترناسیونال: اول مه امسال را چگونه می بینید و بعنوان يك فعال قدیمی جنبش کارگری، چه احساسی نسبت به اول مه امسال دارید؟

شهلا دانشفر: برای من اتفاقی چون فراخوان جهانی جنبش اشغال به برپایی اول مه در سراسر جهان، با شعار اول مه خیابانها در اشغال ما ۹۹ درصدی ها، بسیار شغف آور و شادی بخش است. این فراخوان بیانگر عظمت تحولاتی است که امروز ما در سطح جهان شاهدش هستیم. به این معنی که یک جنبش عظیم جهانی علیه سرمایه داری و با شعار همه قدرت بدست ما ۹۹ درصدی ها به پا خاسته است و نفس این اتفاق امید بخش است و افق روشنی در مقابل همه

نیروهای تشکیل دهنده و نقش خود شما در این کمیته چیست؟

شهلا دانشفر: فکر میکنم ده سالی از تشکیل این کمیته میگذرد. هدف این کمیته انعکاس صدای اعتراض کارگران در سطح جهانی در دل يك همبستگی بین المللی کارگری است. من مسول سازماندهی و هماهنگ کننده فعالیتهای کمیته و بهرام سروش سخنگوی آن است. بعلاوه این کمیته در کشورهای مختلفی چون انگلیس، آلمان، فرانسه، سوئد، نروژ، ژاپن، ترکیه، عراق و ایتالیا همکاری دارد که مسولین تماس با تشکلهای کارگری و فعالیت در محل هستند. تلاش و فعالیت این دوستان است که در مجموع به ما امکان میدهد که بتوانیم

همبستگی جهانی هر چه بیشتری را با مبارزات کارگران و مردم ایران جلب کنیم. در طول مدتی که این کمیته فعالیت داشته است، خوشبختانه دوستانی از فعالین اتحادیه های کارگری در چندین کشور از جمله سوئد، کانادا، فرانسه، ایتالیا هم اکنون همکاران این کمیته هستند. و وجود این فعالین کارگری در کمیته همبستگی يك نقطه قدرت ما در پیشبرد اهدافمان است. در مورد نحوه کار کمیته لازمست توضیح دهم که به دلیل ترکیب اعضای این کمیته که از کشورهای مختلف با زبانهای مختلف هستند، طبعاً تشکیل جلسات روتین مشترك با همه همکاران خیلی ساده نیست. از اینرو فعالیت های کمیته از طریق رابطه مستقیم با همکاران کمیته در هر کشور و شرایط ویژه آن صورت میگیرد. ضمن اینکه در مورد کمپین های سراسری ما تلاش میکنیم جلسات ویژه

ادامه صفحه ۱۰

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

بازتاب هفته

سوریه: آتش بس، جمهوری اسلامی و طرح‌های غرب!

محمد شکوهی



بعد از هفته‌ها رفت و آمدهای دیپلماتیک کوفی عنان وبا حمایت سازمان ملل سرانجام دوهفته پیش رژیم اسد موافقت خود را با طرح آتش بس پیشنهادی عنان اعلام کرد. براساس این توافق قرار شده بود که رژیم سوریه از ۱۲ آوریل نیروهای ارتش را از شهرها خارج کرده و آتش بس را به اجرا بگذارد. این طرح را می توان توافقی بین دولتهای مختلف برای سرکوب انقلاب مردم سوریه نامید. بخشی از نیروهای اپوزیسیون نظیر شورای انقلاب سوریه که تحت نفوذ حکومت عربستان و اتحادیه عرب است و ارتش آزاد سوریه که دولت ترکیه آن را تحت کنترل دارد، در این توافق سهمی نبودند. اما مردم اعتمادی به این توافقات نداشته و به اعتراضات خود بر علیه رژیم اسد، ادامه می دهند. با وجود آغاز موعد اجرای آتش بس رژیم اسد از دامنه حملات خود به مردم کم نکرده است. تنها در فاصله روزهای ۵ تا ۱۲ آوریل که زد و بندهای کوفی عنان با رژیم سوریه و جمهوری اسلامی برای برقراری آتش بس ادامه داشت، حملات به شهرهای حمص، ادلب و درعا شدت گرفت. در جریان این حملات بیش از ۴۰۰ نفر از مردم کشته و هزاران نفر آواره شده اند. پس از سفر کوفی عنان به تهران، جمهوری اسلامی هم سازش خود را با توافقات انجام شده، نشان داد و روز ۱۱ آپریل رژیم اسد اعلام کرد که بر

تروریستی" بر علیه رژیم اسد، از عنان خواست که "غرب در مبارزه بر علیه تروریسم به تعهداتش مثل جمهوری اسلامی عمل نماید!" طرح عنان چیست؟ بر اساس این طرح قرار است دولت سوریه نیروهای مستقر در شهرهایی که در آن درگیری با مخالفان شدت دارد، خارج سازد. متعاقبا نیروهای مخالف نیز از شهرها خارج می شوند و از روز ۱۲ آوریل آتش رسماً برقرار می شود. با اعلام این مفاد طرح صلح عنان، رژیم اسد خواستار خلع سلاح مخالفان، و دادن تعهد کتبی مخالفان در مورد اجرای آتش بس شد. در مفاد دیگر این طرح آمده است که طرف های درگیر به محض برقراری آرامش "گفتگوها" برای پایان دادن به جنگ را آغاز خواهند کرد و نیروهای ناظر سازمان ملل برای برقراری آتش بس نظارت خواهند کرد. در خاتمه از اتحادیه عرب، کشورهای منطقه، جمهوری اسلامی، اتحادیه اروپا و آمریکا خواسته شده است که همه تلاش هایشان را برای برقراری آتش بس و پیدا کردن "راه حل سیاسی برای بحران سوریه" را به کار بگیرند. تمامی این تلاش ها زیر چتر سازمان و اتحادیه عرب به پیش برده خواهد شد. این طرح رسماً هر گونه اعتراض مردم سوریه بر علیه رژیم بشار اسد را تحت عنوان "حفظ آتش بس" ممنوع کرده و دست حکومت سوریه برای ادامه سرکوب باز می گذارد. ضمن اینکه قصد دارد بخشی از نیروهای اپوزیسیون وابسته به ترکیه و اتحادیه عرب را در قدرت سهیم می کند. بر اساس آخرین اخبار و گزارشات منتشر شده در چند روز گذشته حملات رژیم به شهرها ادامه داشته است. از روز ۱۲ آوریل به اینطرف و با اعلام آتش بس صدها هزار نفر از مردم به خیابانها ریخته و بر علیه رژیم دست به تظاهرات زدند. نیروهای رژیم در شهرهای درعا، دیرالزور، بانیاس، دمشق و حلب به تظاهراتهای مردم حمله کرده دهها نفر را کشته و بیش از ۱۰۰۰ نفر را زخمی کرده اند. در مقابل این حملات سازمان ملل و

برخی کشورهای غربی با لحنی ملایم این حملات را حملات ارتش سوریه به مردم را محکوم کرده و خواهان رعایت آتش بش از طرف رژیم اسد شده اند. در این میان رژیم اسد با این ادعای بی شرمانه که "تروریستها در صدد ضربه زدن به آتش بس و برقراری امنیت می باشند"، به حملات خود به شهرهای تحت کنترل مردم و مخالفان ادامه می دهد. طرح صلح کوفی عنان به حکومت اسد برای باقی ماندن در قدرت تضمین هایی داده است. در این طرح صحبتی از کناره گیری و یا حتی مدل جایگزین کردن او با شخص دیگر نظیر آنچه در یمن و مصر به اجرا گذاشته شد، مطرح نشده است. این طرح موضعی کاملاً جانبدارانه و در حمایت از رژیم اسد تهیه شده است. "گفتگو های آشتی ملی" در حقیقت برای سهیم کردن مجدد بخشی از سرمایه داری سوریه در حکومت است، که در سالهای اخیر توسط بشار آمریکا و متحدان غربی اش، اتحادیه عرب و دولتهای ترکیه، جمهوری و عراق تحت نام "نگرانی از آینده نامعلوم بعد از اسد"، نگرانی خود از انقلاب مردم را بیان می کنند. در طول يك هفته ای که از برقراری آتش بس می گذرد حکومت بشار اسد توانسته است توازن قوا را به نفع خودش تغییر دهد. رژیمی که تحت فشار انقلاب مردم در آستانه سرنگونی قرار داشت و خواست

سرنگونی او حتی از طرف سارکوزی و اوباما هم رسماً مطرح شده بود، در حال حاضر "ژست مذاکره" و تلاش برای "برقراری امنیت با همکاری سازمان ملل" را گرفته است. طرح کوفی عنان مردم سوریه و انقلاب آنها را هدف قرار داده است. پس از چندین سال جنایت و کشتار و بویژه جنایات وحشیانه يك سال اخیر، مردم از خواست خود برای سرنگونی رژیم سوریه و به محاکمه کشیدن همه همکاران رژیم، کوتاه نخواهند آمد. مردم رو در روی این رژیم ایستاده اند و حکومت سوریه قادر به کم کردن از شدت سرکوب و خفقان نیست. هر گونه سازش و توافقی بین سرمایه داران حاکم بر سوریه، شکننده خواهد بود. اعتراضات مردم و بحران سیاسی سوریه ادامه خواهد داشت. تنها راه حل این بحران ادامه انقلاب و سرنگونی رژیم بشار اسد است. انقلاب مردم سوریه تاکنون با قدرت در مقابل رژیم اسد ایستاده و آن را وادار به عقب نشینی کرده است، اما این انقلاب فاقد رهبری منسجم با برنامه مشخص و روشنی است که بتواند خواستههای برابری طلبانه و آزادیخواهانه مردم سوریه را نمایندگی کند. ادامه انقلاب می تواند زمینه مساعدی برای بوجود آمدن چنین رهبری و به پیروزی رساندن مردم سوریه بر علیه رژیم جنایتکار بشار اسد باشد و بساط سرکوب، اختناق و فقر و فلاکت را از آن کشور جمع کند.*

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران
شهاب دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 , 127 02 Skärholmen - Sweden

بازتاب هفته

ناسیونالیسم خون میطلبد اینبار در ابوموسی

یاشار سهندی

کشوری را به خاک ایران نمی دهند و در مورد حاکمیت بر این جزیره و دو جزیره دیگر (تنب بزرگ و کوچک) هیچ گفتگویی نخواهند کرد. یکی از نمایندگان مجلس گفت "اگر فوت کنیم دیگر از امارات اثری نخواهد ماند." از استاد دانشگاه عضو جبهه ملی گرفته تا فلان آقای محترم که در زمان انعقاد "تفاهم نامه" در سال ۱۹۷۱ در گفتگوهای فی مابین ایران و انگلیس و شارجه حضور داشته، تا فلان مفسر بی بی سی و فلان نویسنده سایتهای مثلا اپوزیسیون یکصدا تاکید کردند که این جزایر سند ششدانگش از ۲۵۰۰ سال پیش به نام ایران است و احمدی نژاد اجازه دارد در این مورد از خود "نام نیک" بر جای گذارد! به این هم اکتفا نکردند و گفتند باید تمام قد از احمدی نژاد دفاع کرد و چرا که "مسئله دقیقا اینجاست که اگر ایرانی در کار نباشد نباشد، دولتی هم در کار نیست که بر روی شکل، ماهیت یا کارکرد آن نزاعی وجود داشته باشد" اما یکی دیگر هشدار داد تا کجا قرار است از احمدی نژاد دفاع کرد و تاکید کرد "باید برای حفظ میهن سرنگونی اسلام حکومتی را تسریع نمایند" و ادامه داد: "اگر میهن خدیوران فرزانه میداشت و انقلاب ارتجاعی و اسلامی به وقوع نمی پیوست ... امکان برگشت همه سرزمین های جدا شده (منظور گرجستان و ترکمنستان) ... امکان پذیر می شد." البته لازم به ذکر است که سال گذشته در برخی از

سفر احمدی نژاد به جزیره "ابوموسی" غیریت ایرانی ناسیونالیسم ایرانی و عربی را بجوش آورد. احمدی نژاد در سخنرانی برای مردمی (که بزور مانند همه جای ایران) به پای سخنرانی ایشان کشیده شده بودند، گفت: "همه اسناد تاریخی بر فارس بودن خلیج نیلگون فارس گواهی می دهند، ایشان این مسئله را "حقیقتی مانند خورشید روشن" دانست که "نمی توان آن را زیر سوال برد." اینبار اما تنها مسئله نام خلیج موجب غلیان ناسیونالیسم ایرانی و عربی نشده بلکه نفس سفر ایشان به این جزیره موجب آشوب شده چرا که چهل سالی است که بر سر مالکیت این جزیره بین ایران و امارات دعوا است. دولت امارات بلافاصله سفیرش را از تهران فرا خواند. در ادامه وزیر امور خارجه این کشور با تاکید بر اشغالگر بودن ایران، هشدار داد که "عواقب خطرناکی در انتظار ایران است. شورای همکاری خلیج نیز هشدار دادند که "هر گونه خشونت نسبت به امارات، همانند اعمال خشونت به همه اعضای شورای همکاری خلیج است." محسن رضایی این حرکات را برنتابید و به کوری چشم دولت امارات به دیدن بازی فوتبال بین تیم پرسپولیس و تیم الغرافه قطر در چهار چوب جام باشگاههای آسیا رفت تا جواب دندان شکنی به امارات داده باشد. بازی که به مساوی کشیده شد! سخنگوی دولت احمدی نژاد و ولایتی و فرمانده ارتش همگی با تاکید به اینکه ابوموسی متعلق به ایران است گفتند اجازه جسارت به هیچ

ادامه صفحه ۶

کنترل کارگری بر روزنامه الفتروتیپیا در یونان

حبیب بکتاش



روزنامه الفتروتیپیا یک روزنامه چپگرا در یونان است که به خاطر و یا به بهانه بحران اقتصادی اعلام ورشکستگی کرده است. این روزنامه در جریان سرنگونی حکومت نظامی یونان در سال ۱۹۷۴ توسط روزنامه نگاران به صحنه آمد و تحت کنترل و مالکیت خود روزنامه نگاران بود. در سال ۱۹۷۸ این روزنامه به برادران تگوپولوس فروخته شد. نیروهای چپ یونان اغلب و گاهی منحصرا مطالب خود را در این روزنامه منتشر میکرده اند. بدنبال بحران ساختاری اقتصادی جهانی که در سال ۲۰۰۸ شروع شد و هنوز به شدت ادامه دارد، صاحبان روزنامه از پرداخت دستمزد کارگران سرباز زدند و تصمیم به تعطیلی روزنامه گرفتند. کارگران این روزنامه بیشتر از ۷ میلیون یورو طلب دارند.

دستمزدهای ۸۰۰ کارگران این روزنامه از آگوست سال ۲۰۱۱، از هشت ماه پیش، پرداخت نشده است. در دسامبر سال ۲۰۱۱، پنج ماه پیش، کارگران دست به اعتصاب زدند که تا امروز ادامه دارد. کارگران روزنامه الفتروتیپیا محل روزنامه را به اشغال خود در آوردند و خود راسا تصمیم به ادامه انتشار روزنامه با نام جدید "کارگران در الفتروتیپیا" گرفتند. دومه پیش، ۱۵ فوریه، اولین

شماره این روزنامه منتشر شد که با استقبال وسیع مردم قرار گرفت و ۳۱ هزار نسخه آن، به قیمت هر نسخه یک یورو، به فروش رفت. شماره دوم این روزنامه ۲۳ هزار نسخه فروش داشت.

تمام کارگران روزنامه الفتروتیپیا، از روزنامه نگاران تا هیئت تحریریه تا کارگران تکنیکی تا کارگران نظافتچی در تمام پروسه تصمیم گیریهای مربوط به اعتصاب و انتشار روزنامه جدید دخیل هستند و این پرسه را با شرکت و دخالت مستقیم خود به پیش می برند. این یک کنترل کارگری به تمام معنی هست.

البته صاحبان روزنامه ساکت ننشسته اند و هر شیوه ای را بکار می گیرند تا کار اعتصاب و انتشار روزنامه را مختل کنند. آنها منبع سوخت را به ساختمان روزنامه قطع کردند، بعد دستگاہهای تحریر را از کار انداختند و حالا هم درصدد به دادگاه کشیدن کارگران هستند. اما کارگران اعتصابی و خود گردان از حمایت وسیع مردم یونان و اتحادیه های کارگری برخوردار هستند. انتشار روزنامه جدید، کارگران در الفتروتیپیا، با امکانات اتحادیه کارگران انتشاراتی صورت میگیرد.

ما قبلا اخبار و اطلاعات مربوط به اشغال بیمارستان کیلیکیس توسط کارگران این بیمارستان را به اطلاع خوانندگان رسانده بودیم. کنترل کارگری بر روزنامه

الفتروتیپیا یک نمونه موفق دیگر از تلاش کارگران برای بدست گرفتن سرنوشت خود می باشد. با تشدید سیاستهای ریاضت اقتصادی و ورشکسته شدن تعداد هر چه بیشتر مراکز کار و پرداخت نشدن دستمزدها و افزایش شدید بیکاری این نمونه های اشغال و کنترل کارگری نیز رشد خواهد کرد و گسترده تر خواهد شد.

اعتصابات عمومی پی در پی، تظاهراتها و درگیریهای خیابانی وسیع و گسترده، اشغال و کنترل مراکز کار توسط کارگران و رشد تمایل عمومی به نیروها و احزاب سیاسی چپ نشان از بالا گرفتن مبارزه طبقاتی و رشد ذهنیت و خودآگاهی انقلابی توده های کارگر و زحمتکش یونان دارد. اما هنوز یک حزب سیاسی سوسیالیستی که بتواند بر نارضایتی و اعتراض و تظاهرات و اعتصابات مردم یونان جهت دهد و آنها را در جهت سرنگونی انقلابی نظام سرمایه داری و دولت آن سوق دهد از حیات سیاسی یونان غایب است. عروج یک حزب سوسیالیست انقلابی آن حلقه ضروری ولی مفقود کشمکشها و تحولات سیاسی یونان است.

در این نوشته از اطلاعات مندرج در مقاله ای بنام "کارگران الفتروتیپیا نمونه زنده ای از کنترل و مدیریت کارگری را به نمایش میگذارند" استفاده شده است که توسط پاتریک مکدونالد نوشته شده و بتاريخ ۱۲ آوریل در سایت "در دفاع از مارکسیسم" بچاپ رسیده است.*

International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)
International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

بازتاب هفته

دولت اسلامی، مجلس اسلامی و حقه بازی اسلامی

بهروز مهرآبادی



قابل پیش بینی بود که "دولت امام زمانی نمی تواند به سادگی چنین خادم کثیف و بی آبرویی را از دست بدهد." (انترناسیونال ۴۷). سعید مرتضوی یا جلال کهریزک در سمت خود بعنوان رئیس سازمان تامین اجتماعی باقی ماند. طرح استیضاح عبدالرضا شیخ اسلامی وزیر کار و رفاه اجتماعی رژیم پس گرفته شد و مجلس اسلامی سنگ روی یخ و مضحکه حریفی وقیحتر و حقه باز تر از خودش شد. در یک سال گذشته رژیم تلاش فراوانی بکار برد تا پرونده جنایات خود در کهریزک را ببندد و روی این پرونده سرپوش بگذارد. اما همانطور که قبلا هم گفته شد، کهریزک مهری است که بر پیشانی جمهوری اسلامی نقش بسته و هیچ عمل جراحی نمی تواند آن را پنهان کند. کهریزک تبدیل به موضوعی در کشمکش ها و نزاع های باند های درون رژیم شد و ادامه پیدا کرد. پرونده سعید

مرتضوی بعنوان یکی از عاملین اصلی جنایات کهریزک به دادگاه رفت. اخبار متناقضی که از طرف مقامات رسمی رژیم درباره پرونده او منتشر شد، نشانه اختلاف نظری است که در مورد سرنوشت این خادم نظام، در بین دار و دسته های حاکم، وجود دارد. مرتضوی از قوه قضائیه کنار گذاشته شد اما پاداش جنایات خود را با گرفتن سمت رئیس ستاد مبارزه با قاچاق ارز و کالا و بعد از آن مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی، گرفت. محاکمه مرتضوی بجرم موارد متعدد جنایت برای رژیم یک عقب نشینی در مقابل خواست مردم، تلقی می شد. اما این سیاست مورد قبول جناح دیگر حکومت نیست. این جناح ترجیح می دهد که پرونده کهریزک را با حذف مرتضوی ببندد.

عملی شدن طرح استیضاح در درون مجلس می توانست گوشه های دیگری از جنایات رژیم را افشا کند. اعضای مجلس مذاکرات طولانی با مرتضوی داشتند تا او را وادار به استعفا کنند و ظاهرا موفق شدند. در روز موعود حداد عادل که سخنگوی غیر رسمی "رهبر" در مجلس به حساب می آید، پادر میانی کرده و در نامه ای به هیئت رئیسه اعلام کرد مرتضوی پیشنهاد استعفا را

پذیرفته است. طرح استیضاح وزیر پس گرفته شد اما روز بعد دولت خبر استعفا مرتضوی را تکذیب کرد و مجلس اسلامی يك بار دیگر مورد ریشخند رئیس جمهور اسلامی قرار گرفت. اعضای مجلس از اینکه چنین کلاه گشادی به سرشان رفته مات و مبهوت ماندند، به جان هم افتادند و گناه را به گردن یکدیگر انداختند.

این ماجرا می توانست موضوع يك فیلم کمدی باشد که در آن اعضای باند های مافیائی سر یکدیگر کلاه می گذارند. اما این صحنه ها روی پرده سینما اتفاق نمی افتد. این تراژدی سلطه مخوف ترین باند های جنایتکار تحت نام جمهوری اسلامی، بر زندگی بیش از ۷۰ میلیون نفر انسان است. در کنار جنایت و دزدی، حقه بازی و شارلاتانیسم ابزار رسمی و شرعی سیاست حکومت اسلامی است. احمدی نژاد يك بار دیگر مجلس اسلامی را به استهزا گرفت و دست انداخت. اما بلاهت رئیس جمهور اسلامی مانع از این است که بفهمد او به این وسیله تمام نظام اسلامی را مسخره کرده است. نمایش استیضاح وزیر، حقه بازی دولت و پس گرفتن استیضاح فقط نمایش پوچی، بی مایگی و عقب ماندگی دست اندرکاران نظام مقتدر

اسلامی را نشان داد. نظامی که فقط با تکیه بر جنایت و کشتار می تواند و با وجود خادمانی همچون سعید مرتضوی می تواند، باقی بماند. اما مردم هر چند

گردهمایی، سخنرانی، گفت و شنود در استکهلم

ایران بعد از جمهوری اسلامی:

دو افق، دو آینده!

سخنرانان: حمید تقوایی، شهلا دانشفر، خلیل کیوان



هزمان: شنبه ۱۲ مه ساعت ۳ بعد از ظهر

مکان: kista träff:

تلفن تماس: 0707432547

از شما دعوت میکنیم که در این گردهم آئی که فرصتی برای آشنایی با رهبری و سیاست های حزب است، شرکت نمایید.

تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران - سوئد

بلاهت و بی مایگی نظام اسلامی بارها نشان داده اند که هر زمان امکان و فرصت پیدا کنند، لحظه ای در جمع کردن بساط این اوباش تردید نخواهند کرد.*

استثمار گران قرار گرفته است. برای "حفظ تمامیت ارضی" هر دو طرف حاضرند خون بسیاری ریخته شود هیچکس اما در این میان به خود اجازه نمیدهد که يك کلام هم از مردم جزیره پرسیده شود که شما در مورد زندگی خود چه تصمیمی دارید؟ "تصمیم سازان" برای همین هستند که تصمیم بگیرند و به تمشیت امور بپردازند در این میان يك مشت مردم پاپتی چه نقشی

ناسیونالیسم عربی چه ناحیه نوع ایرانی آن. ناسیونالیسم و مذهب دو روی يك سکه هستند که انسان را انسانیت آن تهی میخوانند تا بتوانند هر ایدئولوژی از این دست را که پشت آن فقط خون و استثمار خوابیده است بر جامعه انسانی حاکم کنند. در متن بحران کنونی جهان سرمایه داری و به ته خط رسیدن حکومت اسلامی در ایران ناسیونالیسم دوباره در دستور کار

ناسیونالیسم خون میطلبد اینبار در ابوموسی

از صفحه ۵

چفیه انداخت بعد ایشان همه انبیا را دارای "ریشه ایرانی" خواند و این اواخر شاهنامه فردوسی را توحید نامه دانست. اینها هیچکدام نگرفت اما نفس سفر به جزیره ابوموسی احساسات همه را غلیان در آورده است که "آی مملکت از دست رفت" چه از ناحیه

سایتها يك گوشه هایی آمدند که زمان قرارداد ترکمانچای و گلستان به سر رسیده آیا کسی نمی خواهد کاری کند! دو سالی است که کسی تو گوش احمدی نژاد خوانده که اسلامیت کافی نیست باید ایرانیت را هم چسبید. بر گردن کوروش

دعوا بر سر "ابوموسی" ارتجاعی است "تمامیت ارضی" در آغوش احمدی نژاد!

از صفحه ۱

ناسیونالیسم است که سرنوشت خود را آشکارا به رژیم کثیف اسلامی گره میزند و باید به همه نشان داد که دارد بر تابوت خود میخ میکوبد.

ظاهرا بهانه اصلی ناسیونالیسم ایرانی "حفظ تمامیت ارضی" است و مردم را از ترس "پاره پاره شدن ایران" به دفاع و حمایت از جمهوری اسلامی فرامیخواند. اما اولاً، این شعار "تمامیت ارضی" ارتجاعی است و قرار است عین "الله" و "محمد" و مقدسات اسلامی و شیعی چماق خفه کردن جامعه و حفظ "بازار داخلی" بورژوازی ایران برای استثمار "کارگران عزیز میهن" باشد. ثانیاً کسی که نگران "پاره پاره شدن مملکت" است، حتی یک لحظه هم نباید از جمهوری اسلامی و احمدی نژاد دفاع کند. دقیقاً این جمهوری اسلامی و حکومت ملی - مذهبی بورژوازی ایران و جنایت های رنگارنگ آن و از جمله اعمال ستم ملی و مذهبی و نژادی است که عرصه را بر زندگی مشترک و تعاون و همکاری مردم ساکن جغرافیای ایران تنگ کرده و

میکنند. تنها وقتی مردم مستقیماً بر زندگی خود حکومت کنند و رفاه و آسایش تک تک آحاد جامعه شعار حکومتشان باشد، وقتی که همه شهروندان مستقل از مذهب و جنیست و قومیت و زبان و شناسنامه در امر حکومت شرکت دارند و خود مستقیماً قانون میگذارند و اجرا میکنند و هیچ تبعیضی بر اساس هویت های کاذب و غیر کاذب اعمال نمی شود، تنها در چنین حالتی است که همه مردم در کنار هم خواهند ایستاد و دست در دست هم برای رفاه

و ارتقاء جامعه شان کوشش خواهند کرد. شعار "تمامیت ارضی" که ذخیره مهم جمهوری اسلامی برای روز مباداست و بارها و بارها ناسیونالیسم ایرانی را با همین شعار پشت خود (یعنی یکی از ضد بشری ترین حکومت های تاریخ) کشانده و جنایتکارانه مردم را از جمله در کردستان و خوزستان به توپ بسته و یا به روی مین فرستاده است، درست روی دیگر سکه ای است که بر آن شعار "فدرالیسم" و انواع شعارهای ارتجاعی ناسیونالیسم های قومی نقش بسته است. ناسیونالیسم، چه ایرانی و تمامیت ارضی طلب، و چه قومی و جدایی طلب، عامل تفرقه و جدایی و دشمنی بین مردم است. در نتیجه در مقابل شعار "تمامیت ارضی" جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم ایرانی، مردم ساکن جغرافیای ایران باید پشت سر شعار کارگران و ما کمونیست ها متحد شوند که خواهان خلع ید سیاسی و اقتصادی فوری از جمهوری اسلامی و کل بورژوازی و بنای جامعه ای آزاد و برابر انسانهای متساوی الحقوق مستقل از مذهب و قومیت و جنیست و غیره هستیم.

اما از لحاظ سیاسی، این آخرین هم آغوشی و قیح کل اپوزیسیون راست ایران (که همه از سلطنت طلب تا اصلاح طلب و غیره ناسیونالیست هستند) با جمهوری اسلامی ریشه در تحولات سیاسی جاری در منطقه دارد. میدانیم آمریکا و غرب میخواهند جمهوری اسلامی را در چهارچوب سیاست های منطقه ای خود رام کنند و نگهدارند. بر متن این دعوا، یک دعوی دیگر هم بین ناسیونالیسم ایرانی (نماینده کل بورژوازی ایران) و ناسیونالیسم عربی

(مشخصاً کشورهای عرب منطقه) جریان دارد. غرب میکوشد از فشار ناسیونالیسم عربی بر جمهوری اسلامی به نفع خود و برای به سازش کشاندن رژیم اسلامی استفاده کند و ناسیونالیسم ایرانی نگران است که نقطه سازش جمهوری اسلامی با غرب کجاست و مبادا صدمه ای به "منافع ملی" (یا همان منافع بورژوازی ایران) وارد شود. این است که در این دعوا کل ناسیونالیسم ایرانی هر شرم و ظاهر سازی را کنار میگذارد و تماماً در کنار جمهوری اسلامی قرار میگیرد. از سوی دیگر جمهوری اسلامی برای بقاء خود و بسیج ناسیونالیسم ایرانی پشت سر خود، آگاهانه دست به تشدید دعوی قدیمی با ناسیونالیسم عربی زده است. (سفر احمدی نژاد به جزیره ابوموسی دقیقاً در این جهت بود.) مسأله فی الواقع چندان ابوموسی و حتی تمامیت ارضی نیست. اینها هنوز صورت ظاهر قضیه اند. مسأله در نهایت دست و پا زدنهای جمهوری اسلامی برای بقاء خویش است و ناسیونالیسم ایرانی دقیقاً در چاهی که احمدی نژاد و جمهوری اسلامی برای آن کنده است می افتد. این یکبار دیگر نشان میدهد که ناسیونالیسم تا چه حد ضد بشری است و مسأله اصلی برایش بقاء منافع استثمارگران و طبقاتی اش (همان "منافع ملی") است. هیاهوی ارتجاعی جدال ناسیونالیسم عربی و ایرانی حول ابوموسی یکبار دیگر نشان داد که امر سرنوشتی جمهوری اسلامی و رهایی از شر آن به امر مبارزه علیه کل بورژوازی گره خورده است. یکبار دیگر نشان داده شد که رهایی جامعه ایران از اوضاع فعلی در گرو انقلاب کارگران و زنان و جوانان و همه مردم آزادیخواه علیه جمهوری اسلامی و خلع ید از کل بورژوازی و بنای جامعه آزاد و برابر سوسیالیستی است.

در گرامیداشت اول مه، روز جهانی کارگر گردهمایی، سخنرانی، گفت و شنود در ونکوور

ایران بعد از جمهوری اسلامی:

دو افق، دو آینده!

- اول مه امسال و زمینه های عروج سیاسی طبقه کارگر در ایران و در جهان
- بحران استراتژیک بورژوازی در ایران و جهان چشم انداز حکومت کارگری

سخنرانان: حمید تقوایی، مصطفی صابر



زمان: ساعت ۶ بعد از ظهر، شنبه ۲۸ آپریل ۲۰۱۲
مکان: روندهاوس (تقاطع دیوی و پاسیفیک) سالن "ب"

Roundhouse Community Centre – Room B
Vancouver,
(Yaletown, at Davie & Pacific)

از شما دعوت میکنیم در این گرامیداشت اول مه که در ادامه سخنرانی و پرسش و پاسخ تا پاسی از شب ادامه خواهد یافت و فرصتی برای آشنایی با رهبری و سیاست های حزب ما است، همراه باشید.

تماس:

abbasmoady@yahoo.com

غذا و نوشیدنی در محل سرو میشود.

تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران - غرب کانادا

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

بحران جمهوری اسلامی لاعلاج است

از صفحه ۱



همه این جریان‌ها عبارت بود از "ضدیت با غرب و استقلال از آمریکا و امپریالیسم، احیا و اتکا

را به ماه" فرستادند و به مردم نشان دادند. ژنرال‌های آمریکایی ارتش و ساواک و دستگاه‌های سرکوب را مهار کردند تا در خدمت رژیم آینده و آلترناتیو سلطنت درآیند. هدف غرب ضدیت با انقلاب و ضدیت با کمونیسم بود. غرب و در راس آن آمریکا در مقابل انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران نتوانستند متحد استراتژیک خود یعنی شاه را بر مسند قدرت نگهدارند. به همین دلیل باید بناچار راه قدرت‌گیری جریانی را

سیاست و مناسبات جمهوری اسلامی و غرب هر دو بر مبنای پراگماتیسم و امکانات روز در حال تغییر است. اما روند این تغییرات با سرعت قابل توجهی به ضرر جمهوری اسلامی طی میشود.

به فرهنگ خودی و ضدیت با فرهنگ غربی، معتبر کردن فرهنگ سنتی و ضدیت با مدرنیسم به بهانه غربی بودن آن، هم پیمانی با جریان‌های مذهبی و احترام به مذهب، مخالفت با شاه به عنوان سگ زنجیری و یا وابسته به امپریالیسم. احترام عمیق به سرمایه داری ملی و تعهد به رشد آن و مخالفت با سرمایه داری وابسته و... در این فرهنگ سرمایه داری بر دو نوع خوب (ملی) و بد (وابسته) بود.

این فرهنگ حاکم بر نیروهای اپوزیسیون آن زمان در دوران قبل از انقلاب و در جریان انقلاب بود. اما هنگامیکه قدرت انقلاب مردم در سال ۵۷ به حدی رسید که بورژوازی داخلی و بین‌المللی نتوانستند آنرا بوسیله ارتش و ساواک سرکوب کنند برای مقابله و شکست آن نیروی ضد انقلاب را از اپوزیسیون سلطنت و از نوع اسلامی آن سازمان دادند و دقیقتر بگویم زمینه قدرت‌گیری ضد انقلاب اسلامی را برای رسیدن به این هدف، فراهم کردند. از طریق بی بی سی "عکس خمینی

ماموریتش سرکوب انقلاب و سرکوب چپ و آزادیخواهی است نه چیز دیگر. همزمان با این اتفاق در ایران، جریان‌های اسلامی در افغانستان هم که تماماً مورد حمایت غرب در مقابل شوروی آن زمان بودند، شروع به رشد کرده و بعد از مدتی در افغانستان هم به قدرت رسیدند.

وقتی که دو کشور در یک منطقه حساس در دست جنبش اسلام سیاسی قرار گرفت، هر دو در جریان یک نبرد سیاسی و نظامی بقدرت رسیدند و مخالفین خود را با بیرحمانه‌ترین شکل ممکن و با قدرت مرعوب کننده ای از میان برداشتند، باعث شد که جنبش اسلام سیاسی در همه کشورهای منطقه و حتی در بعدی جهانی با رشد سریع و وسیع مواجه شود. یک فاکتور قدرت‌گیری جنبش اسلام سیاسی ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه و نشان دادن اعمال بینهایت وحشیانه و مرعوب کننده است.

ترور سر بریدن مخالفین در جلو دوربینها تجاوز کردن، خونریزی و بیرحمی از نوع اعمال قرون وسطایی، شکنجه بچه‌های

خردسال در مقابل چشم والدین و حتی تهدید به تجاوز به این بچه‌ها برای اعتراف‌گیری از والدین آنها و حمله بیرحمانه به زنان سنگسار و گسترش قتل‌های ناموسی و... تنها نمونه‌هایی از این جنایات می‌باشند که پرونده جمهوری اسلامی مملو از آنها است. با عملی کردن این تاکتیکها قدرت خود را در ایران تثبیت کردند و تجربه ای برای دیگر جریان‌های اسلامی شدند.

بعد از شکست بلوک شرق و ریختن دیوار برلین اسلام سیاسی و

حکومت اسلامی برآمده از این جنبش به عنوان راه حل و سیاست و آلترناتیو نیروهای اپوزیسیون بورژوازی در مقابل چپ و آزادیخواهی در بسیاری از کشورهای منطقه معتبر گردید. اگر بعد از انقلاب اکبر و معتبر بودن سوسیالیسم همه جریان‌های ناسیونالیستی و حتی اسلامی در پوشش سوسیالیسم اهداف بورژوازی خود را تعقیب میکردند، این بار در دوران افول اعتبار سوسیالیسم با ریختن دیوار برلین و شکست بلوک شرق، جنبش اسلام سیاسی مورد استقبال این جریان‌های بورژوازی قرار گرفت. در دل چنین تحولاتی بود که جنبش اسلام سیاسی به صرافت سهم خواهی و ضدیت بیش از پیش با ولینعمت‌های خود یا همان آمریکا و دولتهای غربی افتاد.

این سهم خواهی باعث شد که تقابل غرب به رهبری آمریکا و جنبش اسلام سیاسی به رهبری جمهوری اسلامی بیش از پیش برجسته شود و در مقابل همدیگر قرار گیرند. غرب ناچار شد در سیاست قبلی خود (کمک و تقویت

جریان‌های اسلامی) تجدید نظر کند و تلاش برای ایجاد محدودیت برای مخلوقین خود را آغاز کرد. این سیاست باعث گردید که افسار تعدادی از این جریان‌ها را کشیدند اما تعدادی هم کوتاه نیامدند و تقابلشان با غرب به جنگ کشیده شد. مشکل غرب با اسلام سیاسی نبود بلکه مشکل آنها با زیاده رویها و مزاحمتها و سهم خواهی و ضد غربی بودن این جنبش بوده و هست.

دول غربی ابتدا فکر میکردند خمینی و جریان‌های اسلامی بعد از

شکست دادن انقلاب آزادیخواهانه مردم و به سر انجام رساندن ماموریت اصلی خود با جریان‌های از نوع جبهه ملی و نهضت آزادی و... جایگزین میشوند و در یک پروسه نه چندان طولانی متحدین واقعی و رژیم مطلوب خود را در راس قدرت سیاسی در ایران قرار خواهند داد. اما در جریان عمل نه تنها این اتفاق نیفتاد بلکه عکس آن عملی شد. تمام جریان‌های نوع نهضت آزادی و جبهه ملی و... را از قدرت خلع کردند. جمهوری اسلامی بویژه بعد از قلع و قمع چپ و همه مخالفین خود و شکست انقلاب و بویژه بعد از جنگ ایران و عراق با اعتماد بنفس بیشتری به حکومت خود ادامه داد. جمهوری اسلامی با سیاست اقتصادی دوران سازندگی از یک طرف سعی کرد که خود را رژیم لایق بورژوازی برای سازماندهی اقتصاد کاپیتالیستی نشان بدهد و از طرف دیگر با شاخ و شانه کشیدن علیه دولتهای غربی سهم خواهی خود را بیش از پیش عیان کرد.

از این مقطع دولتهای غربی در مقابل رژیمی که از ابتدا رژیم مطلوب آنها نبود و نتوانستند

مناسبات بحرانی و زیگزاگهای غرب و جمهوری اسلامی با همدیگر تابعی از منافع دراز مدت آنها و تحولاتی است که نیروهای متحد و مخالف این دو در منطقه از سر میگذرانند. با در نظر گرفتن این دو مولفه پایه ای مناسبات بحرانی غرب و جمهوری اسلامی به ضرر جمهوری اسلامی سیر میکنند.

پروسه تغییر معادله قدرت را به نفع جریان‌های نزدیک به خود و پرو غربی مهندسی کنند، برای مدت کوتاهی با همان سیاست پراگماتیستی خود فکر کردند که رفسنجانی پروژه منطبق کردن جمهوری اسلامی با نیاز انباشت و سود سرمایه را پی میگیرد و روی خوش به آن نشان دادند. اما با به بن بست رسیدن پروژه رفسنجانی در اوج زمامداری خود غرب یک بار دیگر فشار بر جمهوری

بحران جمهوری اسلامی لاعلاج است

از صفحه ۸

اسلامی را آغاز کرد. هدف این فشارها هم تعدیل سیاستهای جاری و استراتژیک جمهوری اسلامی به نفع غرب بود و هم تقویت و مهیا کردن زمینه رشد جریان‌های پرو غربی که بتوانند با تغییرات تدریجی در قدرت و حاکمیت در نهایت به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی به قدرت برسند. بعدا امید و خوشبینی محدود غرب به موفقیت خاتمی از اینجا ناشی شد.

این سیاست غرب در قبال جمهوری اسلامی بوده و هست. آنها میدانند این رژیم نمیتواند با این قوانین و ضدیتش با غرب به رژیم مطلوب بورژوازی تبدیل شود. بنابر این غرب همزمان که فشار به منظور تعدیل سیاستهای جمهوری اسلامی را دنبال میکند با تشدید این فشارها و محاصره اقتصادی و تهدید جنگ، زمینه را برای رشد و عروج جریان‌های متحد و قابل اتکای خود در آینده ایران را فراهم میکند.

جنب و جوش یکی دو سال اخیر جریان‌های بورژوازی در داخل و خارج حکومت برای مقبولیت پیدا کردن در نزد غرب و به جای جمهوری اسلامی، تنها ناشی از نگرانی آنها از انقلاب نیست، بلکه تحولاتی که در مناسبات جمهوری اسلامی و غرب اتفاق افتاده است یکی دیگر از مولفه های مهم این جنب و جوش است.

بورژوازی داخلی و بین المللی میدانند که نیاز انباشت و امنیت و سود آوری سرمایه در ایران آینده، سازماندهی اقتصادی و سیاست طولانی مدت در ایران با وجود این رژیم ممکن نیست. اما آلترناتیو فوری و آماده ای هم

ندارند که بلافاصله دست بکار تغییر و جایجایی قدرت بشوند. به همین دلیل فعلا ضمن ادامه سیاستهای قبلی برای تعدیل و فشار به جمهور اسلامی، تلاش میکنند جریان‌های پرو غربی از جانب بخشهایی از جامعه مقبول واقع بشوند.

این یک فاکتور مهم برای بورژوازی است زیرا بعد از سه دهه سر کردن با رژیم نامتعارف و همیشه بحرانی و با مزاحمتهای زیاد برای غرب، و اخیرا خطر دست یابی این رژیم به بمب اتم، غرب را بیش از پیش به این قناعت رسانده است که فکری برای جانشینی این رژیم نکنند.

در دورانهای بحران اقتصادی دولتهای درگیر بحران تلاش میکنند بخشی از بحران خود را به مردم کشور مربوطه و بخشی از آنرا به کشورهای دیگر منتقل کنند. این نیاز پایه ای بورژوازی برای حل بحران اقتصادی خود است. این نیاز بورژوازی در دوران بحران اقتصادی با مناسبات کنونی غرب و شاخ و شانه کشیدن جمهوری اسلامی در مقابل رقبای منطقه ای و جهانی خود در تناقض با همدیگر قرار دارند. حل این تناقض نمیتواند کوتاه آمدن غرب در قبال جمهوری اسلامی باشد. عکس آن یعنی کوتاه آمدن جدی و ریشه ای جمهوری اسلامی هم در چشم انداز نیست. زیرا جمهوری اسلامی اگر بخواهد مقبول دول

میدان مانور بیشتر و جنب و جوش جدی تری بدهد. در نهایت اگر این اپوزیسیون بورژوازی نتواند به یک جریان جدی در اپوزیسیون تبدیل شود و با کمکهای غرب قدرت را قبضه کند، آن هنگام این احتمال قوت میگیرد که غرب از راه تهدید نظامی و تقابل جدی تر با جمهوری اسلامی استراتژی خود در ایران را دنبال کند و از این طریق بخواهد جریان‌های متحد خود را به قدرت برساند.

البته این آخرین راه حل غرب خواهد بود. اما برای دست بردن به این آخرین راه حل و قوت گرفتن این احتمال، ابتدا باید پرو بال جمهوری اسلامی را قیچی کنند. سرنگونی رژیم بشار اسد به عنوان تنها دولت متحد جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی نمیتواند به رژیم مطلوب غرب استحاله پیدا کند و بورژوازی ایران و دولتهای غربی هم نمیتوانند انباشت و امنیت سرمایه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را برای طولانی مدت سازمان بدهند. آنچه مسلم است ادامه شرایط کنونی نه تنها برای طولانی مدت بلکه در میان مدت هم ممکن نیست.

اما در عین حال نمیخواهند در آینده برای دوران طولانی شاهد رژیم نامتعارف دیگری یا رژیم بی پایه و متزلزلی به جای جمهوری اسلامی باشند. این مولفه ها باعث شده است که سیاست دول غربی در قبال جمهوری اسلامی همچنان سیاستی پراگماتیستی حسابگرانه و با احتیاط باشد.

اما این سیاست فشار و مامشات با جمهوری اسلامی در شرایط کنونی نمیتواند مدت طولانی ادامه داشته باشد. زیرا تحولات و انقلابات منطقه و نفرت عمیق مردم از جمهوری اسلامی و جنگ جناحهای درونی رژیم در دورانی که بحران اقتصادی حتی در غرب هم وارد مرحله بحرانهای سیاسی شده است میتواند خطر آفرین باشد.

در منطقه و خنثی کردن حماس و حاشیه ای کردن و تضعیف حزب الله، اقداماتی است که باید قبلا اتفاق افتاده باشد. غرب تلاش میکند در این پروسه جریان‌های راست و پرو غرب بتوانند اعتباری برای جانشینی جمهوری اسلامی کسب کنند.

مناسبات بحرانی و زیگ زاگهای غرب و جمهوری اسلامی با همدیگر تابعی از منافع دراز مدت آنها و تحولاتی است که نیروهای متحد و مخالف این دو در منطقه از سر میگذرانند. با در نظر گرفتن این دو مولفه پایه ای، مناسبات بحرانی غرب و جمهوری اسلامی به ضرر جمهوری اسلامی سیر میکند. سیاست و مناسبات جمهوری اسلامی و غرب هر دو بر

مبنای پراگماتیسم و امکانات روز در حال تغییر است. اما روند این تغییرات با سرعت قابل توجهی به ضرر جمهوری اسلامی طی میشود.

جمهوری اسلامی نمیتواند به رژیم مطلوب غرب استحاله پیدا کند و بورژوازی ایران و دولتهای غربی هم نمیتوانند انباشت و امنیت سرمایه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را برای طولانی مدت سازمان بدهند. آنچه مسلم است ادامه شرایط کنونی نه تنها برای طولانی مدت بلکه در میان مدت هم ممکن نیست. جمهوری اسلامی هم از منظر طبقه کارگر و مردم و هم از منظر بورژوازی باید جای خود را به رژیم دیگری بدهد.

در چنین شرایطی جدال آلترناتیوهای طبقاتی (کارگری و بورژوازی) به منظور سازمان دادن آینده ایران بعد از جمهوری اسلامی جدی تر از همیشه به جلو صحنه مبارزه طبقاتی رانده شده است.

غرب با توجه به مولفه ها و محدودیتهایی که بالاتر به آن اشاره کردیم دو سیاست را همزمان در قبال جمهوری اسلامی پیش میبرد. اول اینکه میخواهد با محاصره اقتصادی شدید و قیچی کردن پرو بال جمهوری اسلامی در منطقه این رژیم را تا حد ممکن تضعیف کند. در این پروسه سیاست تعدیل جمهوری اسلامی منطبق با تاکتیک فوق را پیش میبرد. در عین حال نیروی قابل اتکا برای بورژوازی که بتواند متحد غرب و جانشین جمهوری اسلامی شود، در شرایط فعلی و در آینده قابل پیش بینی نیروهای بورژوازی پرو غربی و ناسیونالیستی هستند که نه در بیرون ایران و آنطور که سنتا سلطنت طلبان و طرفداران رژیم قبلی آرزو داشته

ادامه صفحه ۱۱

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

اول مه، ۹۹ درصدی ها، کمیته همبستگی بین المللی کارگری

از صفحه ۳

مشترک با همه همکاران داشته باشیم.

انترناسیونال: برای خوانندگان ما گوشه هایی از فعالیت های کمیته را بگوئید، چه آنها که انعکاس جهانی پیدا کرده اند و چه آنها که ممکن است از چشمها پنهان باشند؟

شهبلا دانشفر: طبعا اول مه یک روز مهم فعالیت برای نهادی چون کمیته همبستگی بین المللی کارگری است. ما همانطور که در سوال اول نیز شما به آن اشاره کرده

اید همبستگی خود را با فراخوان جهانی جنبش اشغال اعلام کرده و در پاسخ به خواست آنان از طریق تماسهای خود در هرکشور فراخوان جهانی آنان را به زبانهای محلی کشورهای مختلف از جمله به

زبانهای فارسی، عربی، ژاپنی، ترکی، سوئدی، نروژی، فرانسوی و آلمانی ترجمه کرده و برای آنها ارسال نموده ایم. در ادامه این کار ما تلاش میکنیم که به سهم خود این فراخوان و شعار محوری آن، شعار خیابانها در اشغال ما ۹۹ درصدی ها را به گفتمان اول مه

در کشورهای مختلف تبدیل کنیم. ما روز اول مه با پلاکاردها و بنرهایمان و با شعارهای زنده باد سوسیالیسم، تمام قدرت بدست ما ۹۹ درصدی ها، زنده باد اول مه ما در هر کجا که هستیم در تظاهرات های این روز جهانی شرکت کرده و مبلغین مصمم این

گفتمان خواهیم بود. در این روز عکس های کارگران زندانی را بدست گرفته و خواهان همبستگی جهانی با کارگران زندانی و مبارزات کارگران و مردم ایران خواهیم بود.

در همین رابطه فراخوان ما به کارگران و همه مردم در ایران این است که با بیانیه های خود

همبستگی خود را با فراخوان جهانی جنبش اشغال و تعطیل کار در اول مه اعلام کنند و خیابانها را از آن خود کنند. اعلام کنند که گرامیداشت اول مه را حق مسلم خود میدانند و با اعتراض علیه فقر و فلاکت و جهنمی که جمهوری اسلامی برای کارگران و کل جامعه ایجاد کرده، این روز را به روز اعتراض وسیع و سراسری خود تبدیل کنند. "اول مه همراه با کارگران جهان خیابانها را به اشغال خود دربیآوریم"، این پیام من و این فراخوان من برای روز جهانی کارگر است.

بعلاوه میدانید که يك تلاش دایمی جمهوری اسلامی فشار آوردن بر روی رهبران و فعالین کارگری و از این طریق جلوگیری از سازمانیابی اعتراضات کارگری و ایجاد رعب در میان کارگران و کل جامعه

است. از اینرو شاهد این هستیم که مرتبا فعالین و رهبران کارگری مورد تهدید و فشار قرار گرفته و دستگیر و زندانی میشوند. جلب همبستگی جهانی و فشار دایمی بر روی جمهوری اسلامی برای عقب زدن این تهاجم و تلاش برای آزادی کارگران زندانی يك عرصه مهم

کار کمیته همبستگی بین المللی کارگری است. در طول فعالیت این کمیته ما در دفاع از محمود صالحی از فعالین شناخته شده کارگری در ایران، دفاع از کارگران بازداشتی سنديکای شرکت واحد در سال ۸۴، دفاع از کارگران زندانی نیشکر هفت تپه در سال ۸۵، دفاع از دستگیر شدگان اول مه ها و بالاخره در رابطه با

دستگیریهایی که مرتبا صورت گرفته است کمپین هایی داشته ایم. خصوصا با توجه به فضای انفجاری که در جنبش کارگری و در کل جامعه حاکم است، در یکساله اخیر جمهوری اسلامی فشارش را بر روی رهبران کارگری

شدت داده است. از جمله برای شاهرخ زمانی از فعالین کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری ۱۱ سال حکم و برای محمد جراحی ۵ سال حکم زندان صادر شده است. بهنام ابراهیم زاده يك عضو دیگر کمیته پیگیری نیز ۵ سال حکم زندان گرفته و زیر فشار شکنجه هایی که بر او وارد شده از سردرد و گوش درد رنج میبرد. همچنین علی نجاتی از فعالین نیشکر هفت تپه را با وجودیکه عمل سنگین جراحی قلب بر روی وی صورت گرفته و پزشکانش تاکید کرده بودند که باید در مرخصی باشد، دستگیر و زندانی کردند.

رضا شهابی از اعضای سنديکای شرکت واحد را هم که خطر فلج شدن وی را تهدید میکند، از

بیمارستان مستقیم به زندان انتقال دادند و بالاخره تکان دهنده تر از همه اینست که عبدالرضا قنبری معلم معترضی که در ۶ دی ۸۸ دستگیر شده است، در خطر اعدام قرار دارد. این درحالیست که

فعالین و رهبران کارگری مرتبا زیر فشار و تهدید به دستگیری قرار دارند و هم اکنون صدها فعال سیاسی نیز بخاطر اعتراضات و مبارزاتشان در زندانهای جمهوری اسلامی بسر میبرند. در تقابل با این تهاجم ما کمپینی را اعلام کرده و تلاش کرده ایم مرتبا صدای اعتراض کارگران زندانی باشیم. اخبار مبارزات کارگران و فشار بر روی فعالین کارگری و دستگیریهها را به گوش جهانیان

برسانیم. در همین رابطه نیز در ۵ نوامبر ۲۰۱۱ به همراه سازمانها و نیروهای سیاسی دیگر آکسیونی سراسری در کشورهای مختلف بر پا کردیم که با استقبال نسبتا خوبی روبرو شد. جدا از این بخش از کار يك عرصه مهم دیگر

فعالیت ما حضورمان در اجلاس های سالانه آی ال او، سازمان جهانی کار با خواست اخراج جمهوری اسلامی از تمام مراجع جهانی و از جمله سازمان جهانی کار بعنوان يك بخش مهم فشار ما بر روی حکومت اسلامی در ایران بوده است.

انترناسیونال: آیا فعالیت های کمیته همبستگی بین المللی کارگری انعکاسی در ایران و در میان فعالین کارگری داشته است؟ این کمیته تا چه حد در بین فعالین کارگری ایران شناخته شده است؟

شهبلا دانشفر: هم کمپین های ما برای آزادی کارگران زندانی و هم حضور ما در اجلاس های سالانه جهانی آی ال او انعکاس وسیعی

هم در داخل و هم در خارج کشور داشته است. عکس و تصاویر آکسیون های اعتراضی ما در آی ال او هر سال به موضوع داغ خبری بزرگترین رسانه های جهانی تبدیل شده است. بویژه شرکت رژیم اسلامی در آی ال او يك موضوع اعتراضات کارگران در ایران است و ما هر ساله نامه های دلگرم کننده ای از فعالین و رهبران کارگری در ایران در همبستگی با این حرکت خود دریافت کرده ایم.

از سوی دیگر در رابطه با کارگران زندانی ما تلاش کرده ایم که همراهی کارگران از بخش های مختلف را نیز داشته باشیم و

آخرین اخبار از این کارگران را بدست آوریم و به این معنا طبیعی است که یکسر دیگر فعالیت های ما در ایران است.

انترناسیونال: فکر می کنید این کمیته تا چه حد توانسته در اهداف خود موفق باشد؟ برنامه های آینده و چشم انداز فعالیت های این کمیته را چطور می بینید؟

شهبلا دانشفر: من سعی کردم تصویری از فعالیتهایی که این کمیته داشته است بدهم. اما حقیقتش اینست که ما خوب عمل نکرده ایم. پتانسیل بسیاری برای جلب همبستگی جهانی کارگری وجود دارد. خصوصا در جهان امروز و تحولاتی که در سطح

جلب همبستگی جهانی و فشار دایمی بر روی جمهوری اسلامی برای عقب زدن این تهاجم و تلاش برای آزادی کارگران زندانی يك عرصه مهم کار کمیته همبستگی بین المللی کارگری است.

جهانی شاهدش هستیم میتوان در سطحی گسترده تر فعالیت داشت. ما باید خود را با امکانات جهان متحول امروز انطباق دهیم و فعالیتیمان را گسترش دهیم. ما با کمبودهایی در زمینه نیروی انسانی کافی برای امر ترجمه اخبار و بیانیه ها از زبان فارسی به انگلیسی و تماس فشرده تر با اتحادیه های کارگری در کشورهای مختلف روبرو هستیم و امیدوارم این کمبودها را بتوانیم برطرف کنیم و پاسخگوی نیازهای امروز مبارزات کارگران ایران و جهان و تحولات دنیای امروز باشیم.



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker Communist Party of Iran
www.wpiran.org

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

اطلاعیه شماره ۴۹

ابراهیم مددی عضو هیات مدیره سندیکای واحد آزاد شد رضا شهابی در اعتصاب غذا بسر میبرد

شد. آزادی ابراهیم مددی را به او، به خانواده اش، به کارگران سندیکای واحد و همه همکارانش و به همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگویم.

ابراهیم مددی بخاطر مبارزات با شکوه کارگران شرکت واحد و تلاششان برای ایجاد تشکل سندیکای واحد، تحت عنوان اخلاص در "امنیت ملی" سه سال و نیم زندان بود.

اکنون به همان جرم شهابی عضو دیگر این سندیکا در زندان است و جانیان اسلامی او را به ۶ سال زندان، ۵ سال محرومیت از فعالیت و پرداخت ۷ میلیون تومان

بنا بر اخبار منتشر شده روز چهارشنبه سی ام فروردین ابراهیم مددی نایب رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد در میان استقبال گرم خانواده و همکارانش پس از سه و سال نیم از زندان آزاد



شرکت واحد باید وضعیت رضا شهابی، احکام صادر شده برای او و خواست آزاد فوری وی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان باشد. این خواست باید یک خواست محوری قطعنامه ها و بیانیه های اول مه باشد.

رضا شهابی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۳۱ فروردین ۱۳۹۱، ۱۹ آپریل
۲۰۱۲

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

این وظیفه کمونیستها و جنبش کارگری در ایران است که حساسیت و خطیر بودن این شرایط را متوجه باشند و نبرد آخر را زود تر از اجرایی شدن طرحهای بورژوازی برای آینده ایران آغاز کنند.

دنیا دچار زلزله میشود.

اما از منظر کمونیسم کارگری علیرغم جدال بالائینها برای ادامه حاکمیت خود و رقابت دولتها با همدیگر سرنگونی این رژیم و سازمان دادن آینده ای آزاد و مرفه برای مردم ممکن و عملی است.

بیکاری و بی آیندهی عمیق و غیر قابل حل بوسیله یک رژیم بورژوازی، کوچکترین روزه ای برای امیدواری و بهبود اوضاع نگذاشته است.

در عین حال جمهوری اسلامی در ضعیفترین دوران حیات خود بسر میبرد. نباید اجازه داد که فضای تهدید جنگی، مردم را از جنگ اصلی با جمهوری اسلامی منحرف کند و یا در انتظار نگهدارد. اینکه جریانات معینی و البته عمدتا چپ ضد امپریالیست و حاشیه ای، گر گرفته و از قریب الوقوع بودن جنگ حرف میزنند و عمدتا همراه جریانات اسلامی حامی جمهوری اسلامی برای "صلح" تلاش میکنند ناشی از محدود نگری و بی افقی و عدم درک مولفه های پیچیده و موانع غرب برای چنین اقدامی است. این چپ علیرغم ضد امپریالیست بودنش فکر میکند آمریکا و دولتهای امپریالیستی هر کاری بخواهند میتوانند انجام بدهند و به محض اینکه یکی از مقامات این دولتها عطفه ای میکند به زعم این چپ

بحران جمهوری اسلامی را علاج است

از صفحه ۹

حاشیه حکومت است که عمدتا خود را نه مدافع خمینی بلکه پیروان مکتب ملی گرایی معرفی میکنند.

همه این اقدامات تاکتیکیهایی میباشند که برای ترغیب غرب برای رسیدن به استراتژی خود یعنی جانشینی جمهوری اسلامی با یک رژیم متحد غرب و سازمان دادن انباشت و سود آوری سرمایه برای طولانی مدت بکار برده میشود.

طبقه کارگر و کمونیستهای ایران با توجه به این روندها باید وظایف خود را تعریف کنند. جامعه ایران هر آن ممکن است دچار تلاطمات جدی شود. زیرا هم از لحاظ سیاسی و هم از نظر اقتصادی هیچ چشم اندازی برای بهبود اوضاع زندگی مردم وجود ندارد. نه تنها این بلکه زندگی دهها میلیون انسان کارگر و زحمتکش در ایران در آستانه نابودی و متلاشی شدن قرار گرفته است. فقر و فلاکت و

اندبلکه عمدتا در داخل ایران و بخشهایی از خود جمهوری اسلامی و حاشیه حکومت هستند که دچار دگرذیسی شده و امروز خود را مخالف حاکمیت فعلی و هماهنگ با سیاستهای غرب معرفی میکنند.

این بخش از بورژوازی که عمدتا از دل جنبش ملی اسلامی سر بر آورده است، با کنار گذاشتن سیاست ضد غربی گری و ضد آمریکایی گری پرچم ناسیونالیسم ایرانی و دمکراسی خواهی و اعلامیه جهانی حقوق بشر را برداشته است که خود را مقبول غرب و جامعه برای جانشینی جمهوری اسلامی کند. اتفاقاً اگر شانس برای طرفداران سلطنت در آینده ایران و بعد از جمهوری اسلامی وجود داشته باشد هماهنگی و همگامی آنها با این نیروی ضد انقلابی در ایران و در

Free jailed workers in Iran

FREE THEM NOW!

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

زنده باد سوسیالیسم!

اول مه: جهان از آن ۹۹ درصدیها!

روز اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر:

با شعار "همه قدرت به ۹۹ درصدی ها" خیابانها را به تسخیر درآورید!

علیه جمهوری اسلامی، علیه فلاکت و تحریم اقتصادی، علیه تهدید جنگی، برای شادی و رفاه و آزادی، برای بدست گرفتن اختیار زندگی پیا خیزید!

روز جهانی کارگر امسال (اول مه ۲۰۱۲، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۱) جهانی تر، رادیکالتر و نوید بخش تر از همیشه است. عجیب نیست سال گذشته جهان شاهد انقلابات و جنبش های عظیم و تاریخی بود. ۹۹ درصدی ها در بخش اعظم جهان به میدان آمدند و مسیر تاریخ قرن بیست و یک را تغییر دادند. در خاورمیانه و شمال آفریقا دیکتاتورها را به پایین کشیدند و در کشورهای غربی علیه حاکمیت یک درصدی ها و "وال استریت" اعلان جنگ دادند. بر دوره سیاه "نظم نوین جهانی"، یکه تازی "بازار آزاد"، "راست نوین" و "جنگ تروریستها" خط بطلان کشیدند جهان بعد

از سال ۲۰۱۱ جهان دیگری است. اول مه، روز جهانی کارگر - این وجدان شریف بشریت معاصر نیز، اول مه دیگری خواهد بود. اولین فراخوان چند ماه جلوتر از اول مه از سوی جنبش ۹۹ درصدی ها در آمریکا اعلام شد. همانجا که روز جهانی کارگر تاریخا از آن ریشه گرفت. اعتصاب جهانی! این است فراخوان امسال شهروندان سراسر جهان! ۹۹ درصدی ها اکار را تعطیل کنید! به خیابان بیایید! تمام خواسته های خود را مطرح کنید. از دستمزد در خور زندگی و برابری جنسیتی گرفته تا حقوق پناهندگی. از حق تحصیل

و مسکن و بیمه درمانی گرفته تا الغاء دولت پلیسی یک درصدی ها و برقراری حاکمیت مستقیم مجامع عمومی و ارگانهای قدرت مستقیم مردم. این در واقع نمای "کمون پاریس" و "یورش به عرش اعلا" و در اختیار گرفتن زندگی توسط خود مردم است که از نیویورک و اوکلند و لانگ بیچ شنیده میشود. ندایی که قبل از آن در تظاهرات های میلیونی "ننا" های ایران، در تن سوخته "بوغزیری" های تونس و واضح تر از همه در اجتماعات عظیم مردم در "التحریر" مجددا فریاد زده میشود و گوش سنگین تاریخ را باز میکرد. ما، حزب کمونیست کارگری ایران، با تمام

قوا به این فراخوان جهانی ۹۹ درصدی ها برای اول ماه مه ۲۰۱۲ می پیوندیم. و این گامی است در تداوم مبارزات سی ساله کارگران در ایران. از رژه حدود ۵۰۰ هزار نفر در اول مه ۱۳۵۸ در تهران تا به امروز جدال سخت و سنگینی بین جمهوری اسلامی و صف اول مه و رهایی بشر در ایران در جریان بوده است. انقلاب ۵۷ گرچه توسط اسلامی ها بخون کشیده شد اما اوضاع یک درصدی ها در ایران را کاملاً آشفتنه کرد. بورژوازی اختیار خود را به مشتکی ملای مترجم و از گور برآمده و مشتکی شارلتان و جانی (که حالا بعضاً "اصلاح طلب" شده اند) سپرد تا با شمشیر اسلام سرانسان و آزادی و اول مه اش را ببرند. بیش از سی سال است که این جنال ادامه دارد و اکنون جهان علیه همان چیزی پیاخته که علیه اش بپا خاسته بودیم. کافی است قطعنامه های کارگران در ایران در اول مه های سالهای گذشته را با فراخوان جنبش ۹۹ درصدی ها مقایسه کرد تا دید که ندای یک اول مه عمومی و وسیع، یک اعتصاب جهانی علیه یک درصدی ها که از لس آنجلس و نیویورک شنیده میشود، از قلب طبقه کارگر در ایران و حزبش خبر میدهد طبقه کارگری که در سال گذشته

اعتصابات و اعتراضات بیشماری علیه فقر و فلاکت برپا داشت و اکنون در اوضاع وخیم و اضطرابی ایران باید بعنوان یک نیروی جدی سیاسی پیشتاز و رهبری کننده مبارزه مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی به میدان بیاید. حزب کمونیست کارگری تمام کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، تمام زنان و مردان سراسر ایران و ایرانیان ساکن خارج از کشور را فرا میخواند تا با تمام قدرت از فراخوان اعتصاب جهانی در اول مه ۲۰۱۲ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۱) حمایت کنند. این روزی است که از زن و مرد، از پیر و جوان باید علیه یک درصدی های ایران، علیه آخوند های میلیاردی و کل نظام اسلامی شان به میدان آمد. این روزی است که باید صفوف مان را زیر پرچم رهایی بخش اول مه متحد کنیم؛ برای گرفتن قدرت سیاسی توسط ۹۹ درصدی ها در ایران و پایان دادن فوری فقر و فلاکت و خطر جنگ و ناامنی که اکنون زندگی مردم را به تباهی کشانده، و برای برقراری آزادی و برابری و سوسیالیسم آماده شویم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ مارس ۲۰۱۲ - ۳ فروردین ۱۳۹۱

شورای مرکزی اکس مسلم از این نمایشگاه و هفته معرفی بنیادهای آلمانی استقبال میکند و در یک برنامه ویژه به معرفی سازمان اکس مسلم در این برنامه ها خواهد پرداخت.

شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان
۱۸ آوریل ۲۰۱۲

لینک افرادی که در این نمایشگاه عکس و بیوگرافی آنها را میتوان مشاهده کرد:

http://www.evelinfrerk.de/download/galerie_tellnehmer.pdf

لینک صفحه نهم این نمایشگاه که عکس

فرزانه درخشان و مینا احلی را در آن

ملاحظه میکنید

<http://www.evelinfrerk.de/mg2/index.php?list=3&page=9>

هومانیستها و آنتیستهای آلمان چه کسانی هستند؟

مردم آلمان بشناسانیم برخلاف افراد متعلق به مذاهب مختلف این جمع اومانیست و آنتیست، از رسانه ها و افکار عمومی درخواست توجه ویژه نمیکند! ولی واقعیت اینست که کسی که حرف نمیزند و چیزی نمیگوید معلوم است که صلایش هم به گوش کسی نمیرسد. در این نمایشگاه یک جمله و یا متن سخنرانی این افراد را برداشته و از این طریق سعی میکنم نگاهی به زندگی و اهداف این افراد انداخته شود. هدف اینست که کسانی که خود را به این صف متعلق میدانند با ما تماس بگیرند و تعلق خود به صف هومانیستها و آنتیستها را اعلام کنند (متن معرفی

نمایشگاه عکس و بیوگرافی تعدادی از اومانیستهای سرشناس آلمانی، روز شنبه ۲۱ ماه آوریل در برلین پایتخت آلمان پرتزه و بیوگرافی فرزانه درخشان و مینا احلی در این نمایشگاه معرفی شده است! اولین فرک ژورنالیست و عکاس آلمانی این نمایشگاه را تهیه کرده و در معرفی آن نوشته است که یک سوم مردم آلمان آنتیست هستند، اینها را در رسانه ها و در سطح عمومی کسی نمی شناسد. اومانیستها و آنتیستها چه کسانی هستند، با این نمایشگاه عکس و نمایش پرتزه و بیوگرافی و فعالیتهای این افراد میخوایم این یک سوم را بیش از پیش به

نمایشگاه که اولین فرک، عکاس و مبتکر این برنامه، آنرا نوشته است) برلین این روزها میزبان تعداد زیادی بنیاد و سازمانهای فعال در آلمان است که در دو هفته طی برنامه ها و سخنرانیهای متعدد، خود را معرفی میکنند. نمایشگاه عکس اومانیستها و آنتیستها از جمله برنامه های بنیاد جردانو برونو در آلمان است که از این طریق میخواهد صلای اومانیستها را منعکس کند. در این نمایشگاه بیوگرافی و پرتزه فرزانه درخشان و مینا احلی را میتوان دید. لینک فیلم تبلیغی این نمایشگاه: <http://www.who-is-hu.de/>

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!